



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ویژه نامه شهادت امام سجاد (ع)



شهادت امام سجاد (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ

سید الساجدین (ع) فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَى إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَ مِنْ مُسِيءٍ اعْتَذَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعُذِرْهُ وَ مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤَيِّرْهُ وَ مِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوقِرْهُ وَ مِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أُسْتِرْهُ».

«خدایا من از تو پوزش می خواهم که در پیش روی من به کسی ستم شود و من او را یاری نکنم. یا نعمتی به من ارزانی گردد و سپاس آن را نگویم یا گناهکاری از من عذر خواهد و عذر او را نپذیرم یا حاجتمندی از من چیزی طلبید و او را بر خود مقدم ندارم. یا حق مرد با ایمانی بر گردنم آید، آن را بزرگ نشمارم یا عیب مرد با ایمانی را ببینم و آن را بنوشانم». (الصحیفه السجادیه، علی بن الحسین (ع)، ص ۱۶، دعای ۳۸)

درباره زین العابدین (ع)

زندگی امام سجاد (ع) همچون سایر ائمه (ع) با فراز و نشیب های زیادی همراه بوده است. از این رو به عنوان الگوی بی نظیری از آن یاد شده می شود که نشان دهنده الهی بودن شخصیت و منش ایشان می باشد. در این قسمت به تناسب نوشتار به قطره ای از دریای فضایل، معرفت، علم و معنویت ایشان اشاره می شود.

۱. معرفی خویش

علی بن الحسین (ع) در خطبه ای که در شام ایراد فرمود، این گونه خود را معرفی کرد: «... من فرزند شایسته ترین مومنان، سرور دین، نور مجاهدان، زینت عبادت کنندگان، مباحات گریه کنندگان (به درگاه الهی)، بردبارترین بردباران، برترین شب خیزان از نسل طه و یاسین و فرستاده پروردگار عالمیان هستم؛ فرزند آن کسی که پشتیبانش جبرئیل بود و یاری دهنده اش میکائیل». (مقتل سید الشهدا، یوسفی غروی، ص ۲۸۲ - ۲۸۵)

۲. گریه کننده ی عالم

یکی از ویژگی های امام (ع) گریه زیاد بوده است. در این زمینه سخن طولانی از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان فرمودند: «الْبُكَاءُ مِنْ حَسَنَةِ أَدَمَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (ع) ...» «آن هایی که زیاد گریه نموده اند پنج نفر می باشند. آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه دختر محمد (ص) و علی بن الحسین (ع)».

گریه آدم برای بهشت بود، آن قدر گریه کرد تا گونه هایش صاف شد. گریه یعقوب در فراق یوسف بود به قدری گریه کرد که چشمانش را از دست داد. گریه یوسف برای فراق یعقوب بود. آن قدر گریه کرد که زندانی ها اذیت شدند و گفتند: یا روز گریه کن و شب آرام بگیر یا شب گریه کن و روز آرام بگیر. آن گاه یکی از آن دو را انتخاب نمود و اما فاطمه دختر پیامبر (ص) آن قدر بعد از پدر گریه کرد که اهل مدینه از گریه او ناراحت شدند به فاطمه گفتند: با گریه هایت ما را اذیت می کنی، فاطمه کنار قبر شهدا می رفت و گریه می کرد تا حاجتش بر آورده شود آن گاه به خانه باز می گشت. امام علی بن الحسین (ع) بیست سال یا چهل سال بر امام حسین (ع) گریه کرد. هر گاه غذا جلوی او می گذاشتند، گریه می کرد. تا این که روزی غلامش به ایشان گفت: آقا فدایت شوم، ای فرزند رسول خدا (ص) من می ترسم خودتان را از بین ببرید؟ حضرت فرمود: حزن و انوهم را به خدا محول نموده ام و آن چه من از خدا می دانم شما نمی دانید وقتی که من به یاد آن میدان شهادت و کشته شدن فرزندان فاطمه می افتم گریه وجودم را فراموش می گیرم». (الخصال، ابن بابویه، ج ۱، ص ۲۷۲)

۳. میراث گران بهای علی بن الحسین (ع)

آثاری ارزشمندی از امام سجاد (ع) به یادگار مانده است که من جمله می توان به صحیفه سجاده و رساله حقوق ایشان اشاره کرد. که انسان با مطالعه هر یک از آن ها به دنیای مملو از علم، معرفت و فضایل ایشان دست می یابد.

صحیفه سجاده به زبور آل محمد، اخت القرآن نیز مشهور است و مشتمل بر ۵۴ دعا می باشد که دعای بیستم آن به مکارم الاخلاق شهرت دارد. (رک: شخصیت قرآنی امام سجاد (ع)، رحیم پور، بینات، شماره ۶۸، ص ۱۷۸) قابل توجه می باشد که بر این صحیفه شرح هایی نوشته شده که مولفان نامداری چون محمد بن حسن بن حر عاملی، میرزا عبدالله اصفهانی، میرزا حسن نوری، محسن امین در تنظیم شرح ها اهتمام داشته اند. (رک: زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) و وجدانی، ص ۸۲ - ۸۶)

مقام معظم رهبری نیز شخصیت امام (ع) و دریای معارفی که در صحیفه موج می زند را این گونه توصیف می نمایند: «امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) «صحیفه ی سجاده» را به صورت دعا



لَا تَخْزِيكُمْ حَيَاتُهُ إِلَّا نَمَانًا فَخَمَهُ

پایین نخواهد آمد مگر با رسوا ساختن من و خاندان ابوسفیان. گفتند: مگر وی چه توانمندی دارد؟ یزید گفت: او از خاندانی است که علم را نسل به نسل و بی واسطه دریافته اند. مردم آن قدر اصرار ورزیدند تا سرانجام یزید اجازه داد. (مقتل سید الشهدا، یوسفی غروی، ص ۲۸۲ - ۲۸۳)

جامعه زمان امام (ع)

زندگی امام در محیطی بود که از یک سو زیر مراقبت ماموران شام و مواظبت بر آن که مبادا از آل علی (ع) نامی به نیکی برده شود. از این جهت سختگیری در حدی بود که مردم می کوشیدند خود را از چشم آنان دور نگاه دارند، از سوی دیگر شهرهای مسلمان نشین هر روز در تباهی اخلاق و فساد اجتماعی بیشتر فرو می رفت.

زمان امام زین العابدین (ع) با همه تنگناها از برترین موقعیت اجتماعی برخوردار بود. ایشان با تدبیر و مقاومت هوشمندانه جبهه مقابل و بزرگ چالشگری علیه حاکمیت بنی امیه به شمار می رفته اند.

شاخصه اصلی این زمان در دو امر خشونت و ساماندهی فرهنگی با بسترهای تباهی تعریف می شود. زیرا قیام های علویان با خشونت ها سرکوب می شد و حزب عثمانی در پی دین زدایی بود که جهت نیل رسیدن به این هدف در سطح جامعه فرهنگ سازی می کرد. من جمله این که کسی نباید فرزند خود را به نام علی، حسن، حسین و فاطمه نامگذاری کند. (رک: امام سجاد الگوی زندگی، احمدی، ص ۱۵۴ - ۱۷۵)

این عصر، عصر نهضت ها و سلاطین بود. معاویه مخالف کتاب خدا، اهل جنگ با بندگان خدا، اهل کید، پیشگام در قتل و .. بود. آن ها در دوری از تمدن اسلامی، اسراف، پیروی از تعصبات جاهلی، دور کردن ضعیفان از خود و نزدیک کردن موالی به خود تلاش می کردند و قول و فعل آن ها هرگز تغییر نکرد. (رک: الامام زین العابدین، علی الصغیر، ص ۴۱ و ۸۰)

تامل در محتوای صحیفه سجاده نشان می دهد که تصویر سازی ای از جامعه آن روز مخصوصاً مدینه است. (زندگانی علی بن الحسین (ع)، شهیدی، ص ۱۰۴ - ۱۰۵)

۱. مشکلات جامعه عصر امام (ع)

عصر امام با سه مشکل اصلی از قبیل فقدان صادق ترین و مخلص ترین نیروهای مدافع و حمایتگر، مواجهه با حکومتی خشن، عدم کمترین اعتماد به مدعیان هواداری از حریم امامت مواجه بودند. که مورد سوم از همه مهم تر و جدی تر بود. (رک: امام سجاد (ع) جمال نیایشگران، ترابی، ص ۹۷ - ۹۹)

۲. اذیت اهل شام

محمد بن سعد می گوید: امام جعفر صادق (ع) از پدرش نقل نموده است: «حضرت علی بن الحسین (ع) پیاپی به جمرات می رفت و منزلی در منی داشت و شامیان آن حضرت را اذیت می کردند. ناچار به منطقه قرین الثعالب و با نزدیک آن منتقل شد و از آن جا تا منزل منی سواره می آمد و از منزل تا جمرات را پیاده می رفت». (الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۵، ص ۱۶۹)

تنظیم فرموده و اصلاً دعا خوانده است؛ اما این کتاب، پر از معارف الهی و اسلامی است. توحید خالص در صحیفه ی سجاده است. نبوت و عشق به مقام تقدس نبی اسلام (علیه و علی آله الصلاة والسلام) در صحیفه ی سجاده است. مثل بقیه ی دهاهای ماثور، معارف آفرینش در این کتاب است.

همین «دعای ابوحمزه ی ثمالی» که مخصوص سحرهاست - سعی کنید آن را بخوانید و در معنایش توجه و تدبیر داشته باشید - و همین «دعای کمیل» که شب های جمعه خوانده می شود، از جمله دعا هایی است که سرشار از معارف اسلامی است و در آن ها حقایقی به زبان دعا بیان شده است. نه این که آن بزرگوار - امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) - نمی خواسته دعا کند و دعا را پوشش قرار داده است؛ نه. دعا می کرده، مناجات می کرده و با خدا حرف می زده است. منتها انسانی که قلبش با خدا و با معارف الهی آشناست، حرف زدنش هم این گونه است. حکمت از او سرریز می شود و دعای او هم عین حکمت است». (بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸)

رساله حقوق نیز از درخشان ترین آثار ایشان می باشد. که رعایت حقوقی که در این رساله آمده است سبب رفاه، سعادت و آرامش فرد و جامعه می شود. (رک: زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) و وجدانی، ص ۸۲ - ۸۶)

توجه به آن چه از امام (ع) به یادگار مانده است ما را به اوج فصاحت و بلاغت امام (ع) سوق می دهد. من جمله می توان به خطبه ها و بیانات ایشان در کوفه، شام، مدینه و سایر مکان ها اشاره داشت. (رک: زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) و وجدانی، ص ۸۲ - ۸۶)

۴. یزید و شناخت امام (ع)

دشمنان و رشک ورزان بر خاندان عصمت و طهارت، در ظاهر و باطن نسبت به جایگاه، شخصیت، علم و فضائل ایشان واقعیت را می دانستند و در مجالس مختلف از آن ها یاد کرده اند. در عین حال روح خباثت و حسادت درونی نسبت به ایشان مانع از نیل آن ها به حشاش می شد. به این دلیل که با حضور جایگاه الهی و بر حق ائمه (ع)، مصالح و موقعیت دنیاپرستانه آن ها متزلزل می شد از این رو در مقابل ائمه (ع) و آن چه که حق امامان (ع) نبود، می ایستادند و تاریخ گواه بر این امر می باشد. در مورد علی بن الحسین (ع) نیز یزید نیز این گونه رفتار کرد.

یزید در برنامه ای امام را به مسجد شام دعوت کرد و مردم را فراخواند و به خطیبی دستور داد تا خطبه بخواند و برای مردم از بدی های حسین و پدرش علی (ع) سخن بگوید و یزید و معاویه را ستایش کند. خطیب این کار را انجام داد.

امام سجاد (ع) که در این مدت بهبود یافته بود. فریاد بر آورد و به خطیب گفت: «وای بر تو ای سخنران! رضایت مخلوق را با خشم خالق به دست آوردی! پس جای خود را در آتش دوزخ آماده بین!». آن گاه به یزید رو کرد، فرمود: «به من اجازه بده تا بر بالای این چوب ها بروم و سخنی بگویم که هم خشنودی خدا را موجب شود و هم برای این حاضران اجر و پاداشی را در بر داشته باشد».

یزید اجازه نداد به همین دلیل برخی گفتند: ای امیر مومنان به وی اجازه بده به منبر رود شاید از او بشنویم. یزید گفت: اگر او بر منبر برود

از مکتب سید الساجدین (ع) ...

امام (ع) به نمونه کاملی از اخلاق و منش الهی، عبادت و بندگی، توکل و اتکا به خداوند متعال می باشد. سخنانی که از ائمه (ع) در این زمینه بیان شده است. متقن ترین دلیل بر بندگی، صبر، صداقت، راستی، وفاداری ایشان می باشد. در این قسمت به نمونه هایی از آموزه های مکتب امام زین العابدین (ع) اشاره می شود.

۱. راه های نجات

امام سجاد (ع) راه های نجات انسان را در رعایت اموری برشمردند. که سبب نجات و سعادت انسان در زندگی دنیوی و اخروی می شود. امام (ع) فرمود: «ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّ لِسَانَهُ عَنِ النَّاسِ وَ اغْتَابَهُمْ وَ اِسْغَالَهٗ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِاٰخِرَتِهِ وَ دُنْيَاہُ وَ طَوَّلَ الْبُكَاءَ عَلٰی خَطِيئَتِهِ» «سه چیز سبب نجات مؤمن است: بازداشتن زبان از غیبت مردم مشغول کردن خودش به آن چه که برای آخرت و دنیایش سود دهد و گریستن طولانی بر گناهش». (بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۴۰)

۲. در خواست عفو

یکی از فضایل اخلاق و شاخص رفتاری در سیره امام (ع) عفو نسبت به سایرین بود. همچنین می توان به نمونه هایی از عفو در درخواست های امام (ع) از خداوند متعال اشاره کرد. مروری بر ادعیه موجود در صحیفه این امر را به وضوح نشان می دهد.

در دعای شانزدهم امام (ع) می فرماید: «أَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي»، «ای خداوندی که خود را بخشاینده نامیدی مرا عفو کن». (الصحیفه السجادیة، علی بن الحسین (ع)، ص ۸۰)

در دعای ابوجمزه، نیز آمده است: «أَنْتَ يَا إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَ أَعْظَمُ جِلْمًا مِنْ أَنْ تَقَابِسَنِي بِعَمَلِي [بِعَفْوِي] وَ خَطِيئَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ»، «تو ای خدای من که فضل بی پایان و بردباری عظیم تو برتر از آن است که مرا با گناهم مقایسه نمایی، از من درگذر، از من درگذر، از من درگذر». (اقبال الأعمال، ابن طاووس، ج ۱، ص ۷۰)

در دعای دهم سید الساجدین (ع) فرمود: «اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ تَعَفَّ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ وَ إِنْ تَشَاءُ تُعَذِّبْنَا فَبِعَدْلِكَ ... يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوَسْعِكَ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَعْنِكَ ...»، «بار الهی، اگر بخواهی ما را عفو کنی، این از فضل و بخشش توست و اگر بخواهی ما را کیفر نمایی، بر اساس عدالت است ... ای کسی که از همه اغنیای بی نیازتری، ما بندگان در پیشگاه تو حاضریم و من از همه نیازمندان نسبت به (عفو) تو محتاج تر هستم. پس ناداری ما را با وسعت خود جبران فرما و امید ما را با دریغ نمودنت قطع مگردان». (الصحیفه السجادیة، علی بن الحسین (ع)، ص ۶۰)

۳. دعا در زمان خروج از منزل

ابوجمزه ثمالی گوید: «أَتَيْتُ يَابَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (ع) فَوَافَقْتُهُ حِينَ خَرَجَ مِنَ الْبَابِ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمزَةَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ عَرَضَ لَهُ الشَّيْطَانُ فَإِذَا قَالَ بِسْمِ اللَّهِ قَالَ الْمَلَكُانِ كَيْفَ فَإِذَا قَالَ أَمَنْتُ بِاللَّهِ قَالَا هُدَيْتَ - فَإِذَا قَالَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ قَالَا وَ قِيَتْ فَيَنْتَحِي الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كَيْفَ لَنَا بِمَنْ هُدِيَ وَ كَفَى وَ وَقِيَ قَالَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ عِزِّي لَكَ الْيَوْمَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمزَةَ إِنَّ تَرَكْتُ النَّاسَ لَمْ يَتْرُكُواكَ وَ إِنْ رَفَضْتَهُمْ لَمْ يَرْفُضُواكَ قُلْتُ فَمَا أَسْأَلُكَ قَالَ أَعْطِهِمْ مِنْ عِزِّكَ الْيَوْمَ فَفَرَّكَ وَ فَاقَتْكَ».

«به در خانه حضرت علی بن الحسین (ع) آمدم و هنگامی رسیدم که آن حضرت از خانه بیرون می رفت، پس فرمود: «به نام خدا، ایمان آوردم به خدا و بر خدا توکل کردم» سپس فرمود: ای ابا حمزه بنده چون از خانه اش بیرون رود شیطان سر راه او آید، پس همین که «بسم الله» گوید دو فرشته گویند: کفایت شدی و همین که گوید: «آمنت بالله» گویند: راهنمایی شدی و چون گوید: «توکلت علی الله»

گویند: نگهداری شدی و شیطان ها از او دور شوند و برخی از آن ها به برخی گویند: چگونه ما راه داریم به کسی که راهنمایی و کفایت و نگهداری شده، گوید: سپس فرمود: بار خدایا امروز آبروی من از آن تو است، سپس فرمود: ای ابا حمزه اگر تو مردم را رها کنی آن ها تو را رها نکنند و اگر تو آنها را ترک گوئی آن ها ترا ترک نکنند، عرض کردم پس من چه کنم؟ فرمود: از آبروی خود به آن ها بده و آن را برای روز احتیاج و نیاز خود ذخیره کن». (الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۵۴۱/ مسند الامام السجاد (ع)، عطاردی، ج ۲، ص ۹۷)

۴. رفتار با فرزند

امام (ع) در تربیت از شیوه هایی بهره گرفته است که در صحیفه نیز به آن ها اشاره شده. از این رو می توان شیوه های تربیتی



ایشان را در الگوسازی، عفو، تغافل، یادآوری نعمت ها، چشم پوشی از گناهان، توبه، تنبیه و انذار، تغییر موقعیت، عبرت آموزی، تاخیر در کیفر ... برشمرد. (رک: شیوه های تعلیم و تربیت از منظر امام سجاد (ع)، نادری، آرای و شیرزاد نشلی، بصیرت و تربیت اسلامی، سال ده، شماره ۲۶، پاییز ۹۲، ص ۱۳۷ - ۱۵۷)

امام علی بن الحسین (ع) در صحیفه سجادیه و رساله حقوق خود به تربیت فرزند و نقش والدین در این فرآیند اشاره کرده است. از این رو در فری از دعای بیست و پنجم صحیفه می فرماید: «أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ»، «و مرا یاری فرما که فرزندانم را پرورم و ادب نمایم و به آنان مهربانی کنم». (الصحیفه السجادیة، علی بن الحسین (ع)، ص ۱۲۰)

۵. ارمان غفلت

امام (ع) در دعای بیست و نهم از صحیفه سجادیه به یکی از آفت های تربیتی یعنی غفلت اشاره کرده اند. این امر زمینه ساز تباهی سایر تلاش ها در زمینه تربیت فرزند می شود. از این رو حضرت نسبت به آن در تربیت توجه ویژه داشته اند و فرموده اند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ نَهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمَهْلَةِ، وَ أَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»، «خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در اوقات فراموشی به یاد خود آگاه ساز و در روزگار مهلت به طاعت و بندگیت بگمار و راهی هموار به سوی محبت و دوستی ات برای من آشکار نما و به وسیله آن راه یاب آن محبت، نیکی دنیا و آخرت را برایم کامل گردان». (الصحیفه السجادیة، علی بن الحسین (ع)، ص ۱۰۲)

قابل توجه می باشد که این آسیب در ابعاد مختلف تربیت مطرح است و اختصاص به دوران کودکی و طفولیت فرزند ندارد. بلکه سایر ادوار زندگی شخص از قبیل جوانی، میان سالی و امکانات در اختیار، استفاده مفید از زمان و عمر و ... را شامل می شود. بی توجهی به این آسیب سبب خسران و زیاده انسانی می شود. (رک: تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع) بررسی اجمالی نکات تربیتی دعای مکارم الاخلاق، لیاقتدار، ۲۵۷ - ۲۵۹)

امام (ع) در وصیت به فرزندشان فرمودند: «وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ صَالِحَ الدُّنْيَا يَحْدُفِيرُهَا فِي كَلِمَتَيْنِ إِصْلَاحِ شَأْنِ الْمَعَايِشِ مِلَّءَ مِكْيَالِ ثَلَاثَةِ فِطْنَةٍ وَ ثَلَاثَةِ تَغَافُلٍ»، «فرزندم! همانا سامان یافتن همه امور دنیا در دو کلمه خلاصه می شود؛ اصلاح و تأمین معاش زندگی همچون پُری پیمانهای است که دوسوم آن به هوشمندی و یک سوم آن به چشم پوشی است». (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۶، ص ۲۳۱)

۶. رفتار با بردگان

یکی از اقشار جامعه آن روز، بردگان بودند که در شرایط سختی با رفتارهای متفاوت زندگی می کردند. در سیره علی بن الحسین (ع) خرید بردگان، فرزند نامیدن بردگان با تعبیر «یا بُنَيَّ»، اعتراف به گناه و نه تنبیه آن ها، آموختن احکام و معارف به آن ها، آزاد سازی آن ها با امکانات اولیه، آموزش را می توان برشمرد.

اهتمام امام (ع) به بعد اخیر یعنی آموزش بردگان فرلاون بود. ایشان با این روش، منطق اموی را که مبتنی بر تبعیض نژادی بود، از نظر اسلام مردود اعلام کردند و ارزش های اصیل اسلامی را دوباره زنده نمودند. (رک: نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا، رنجبر، ص ۱۵۰ - ۱۵۳)

۷. نگاهی به دنیا

دیدگاهی که سید الساجدین نسبت به دنیا دارند. دیدگاه خاصی است که

بیانگر عمق ارتباط با خداوند و روح الهی ایشان می باشد. آن گونه که بیان می کند: «ارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لِكَ لاِخْرَتِي ... حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الرَّهْدُ فِي دُنْيَايَ»، «خداوند برای آخرتم رغبت در عمل برای خودت را روزی ام قرار ده ... تا این که بی رغبتی نسبت به دنیا بر من غالب باشد». (ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، کبیر مدنی شیرازی، محقق: حسینی امینی، ج ۳، ص ۴۹۲)

در دعای ابوجمزه نیز امام از خداوند می خواهد «سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي»، «مولای من قلبم را از دوستی دنیا خالی کن».

(مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، طوسی، ج ۲، ص ۵۹۱)

در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز به نوع نگرش امام (ع) به دنیا اشاره شده است. ایشان می فرمایند: «انسان گاهی اوقات وارد یک میدانی می شود، پاک وارد می شود، لیکن ممکن است خدای نکرده پاک از آن جا بیرون نیاید. انگیزه های مادی جذابند، خطرناکند. پول چیز خطرناکی است عزیزان من! ببینید امام سجاد (سلام الله علیه) در آن دعای مرزداران صحیفه سجادیه، که به مرزداران و سربازان و مجاهدان جبهه دعا می کند، از جمله دعاهایش این است که پروردگارا! یاد مال فتون را از دل این ها ببرد. این تعبیر «فتون»؛ فتنه انگیز، فقط در مورد مال در این دعا به کار رفته: «الْمَالُ الْفُتُونُ» مال، فتنه انگیز است. فتنه همیشه به معنای فتنه در عرصه ای اجتماع نیست؛ بدتر از او، فتنه در عرصه ای دل انسان است. اگر راه دل بستن به پول و به زندگی و به تشریفات و به جاه و جلال و این ها را بر روی دل باز کردید، دیگر واقعاً حد یقف ندار». (۱۳۸۷/۳/۲۱)

سیره سیاسی امام (ع)

سلسله امامان (ع) هر یک در دوران امامت خویش اهدافی را دنبال می نمودند که همه در یک راستا و به عبارتی در طول یکدیگر بودند. آن چه شیوه عملکرد ائمه (ع) را نسبت به مسائل اجتماعی - سیاسی از یکدیگر متمایز می سازد، مربوط به شرایط و مقتضیات زمان می باشد و مبتنی بر تفاوت فهم و برداشت آنان از دین و مسایل سیاسی، تفاوت امکانات علمی، قوای جسمی و روحی ایشان نمی باشد.

زندگی علی بن الحسین (ع) نیز در امتداد نهضت حماسه ساز عاشورا بود که در واقع به تثبیت پایه های اسلام و فکر امامی، تشکیل جامعه بزرگ علمی و تربیت شاگردان می اندیشید. این اهداف در دوره های بعد یعنی دوره امامت امام باقر و صادق (ع) تشدید شد و به ثمراتی رسید. (رک: جهاد الامام السجاد، الحسینی الجلالی، ص ۲۴۶ - ۲۴۷)

از این رو می توان نقش تربیتی و اخلاقی امام سجاد (ع) را تربیت نیروهای صالح و عالم، تربیت روحی - اخلاقی جامعه اسلامی تبیین نمود. به این صورت که ایشان در مدت سی و چهار سال امامت و هدایت خود موفق به تربیت افرادی زیادی گردیدند. که آنان را برای تداوم انقلاب شیعه از هر جهت آماده ساختند. در رأس شاگردان فرزند بزرگوارشان امام باقر (ع) بودند. (نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا، رنجبر، ص ۱۴۳ و ۱۴۵)

در سیره امام (ع) همانند سیره پدر بزرگوارش اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، نهی از تبعیت ظالمان، افشاکاری علیه دستگاه امویان، ترغیب به جهاد و شهادت، رهنمود به مبارزه پنهانی با جباران و ... بود. (رک: امام سجاد (ع) جمال نیایشگران، ترابی، ص ۱۴۲ - ۱۴۶)

سرانجام امام علی بن الحسین (ع) در دوران حکومت ولید بن عبدالملک، به دست هشام بن عبدالملک مسموم و در سال ۹۵ هجری به شهادت رسیدند. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۶، ص ۱۵۳)